خبر

وزیر آموزش‌وپرورش اعلام کرد

پیگیری برای رتبه‌بندی ۴۰ هزار نیروی خدماتی آموزش‌وپرورش

● **فارس:** وزیر آموزش‌وپرورش از پیگیری این وزارتخانه برای رتبه‌بندی ۴۰ هزار نیروی خدماتی در آموزش‌وپرورش خبر داد. علی‌اصغر فانی در پاسخ به این پرسش که در طرح رتبه‌بندی چه تعدادی از معلمان باقی مانده‌اند، اظهار کرد: حدود ۴۰ هزار نفر از همکاران رتبه‌بندی شامل آنها نشد و در حال پیگیری هستیم تا از طریق سازمان مدیریت این موضوع به نتیجه برسد و از خجالت این همکاران در بیاییم. وی افزود: این طرح مخصوص معلمان است و در مجموع از مهر سال گذشته تاکنون رتبه‌بندی شامل این ۴۰ هزار نفر نشد. این افراد که اشاره شد، نیروهای خدماتی هستند که در طرح رتبه‌بندی حضور ندارند و امیدواریم مشکل حل شود. فانی در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه آیا افزایش جمعیت دانش‌آموزان در دوره ابتدایی را شاهد هستیم، خاطرنشان کرد: در سه سال اخیر بیش از ۵۰۰ هزار دانش‌آموز به دوره ابتدایی اضافه شدند که البته علت اصلی آن افزایش تحت پوشش دوره‌های مختلف و انسداد مبادی بی‌سوادی بوده است؛ زیرا کودکان لازم‌التعلیم را که به مدرسه نمی‌آمدند، شناسایی و جذب مدارس کردیم.

نیازهای بلوغ و جوانی در یک کتاب درسی

● **مهر:** رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی گفت: برای سال تحصیلی ۹۶-۹۵ چهار کتاب جدید خواهیم داشت که در کتاب «انسان و سلامت» نیازهای بلوغ و جوانی پاسخ داده خواهد شد. حجت‌الاسلام محی‌الدین بهرام‌محمدیان در نشست خبری امروز که در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی برگزار شد، گفت: در برنامه‌ریزی دوره تحصیلی علاوه بر اینکه از دوره ابتدایی، آموزش عمومی-تلفیقی اجباری و رایگان است، از پایه دهم چند شاخه تحصیلی خواهیم داشت و در رویکرد جدید آموزش‌وپرورش، بحث تئوری و حافظه‌محوری دیگر وجود ندارد و رویکرد ما در حوزه تفکر و حکمت است. رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بیان کرد: رویکرد جدید ما خلاقیت و نوآوری را به صورت نهفته در خود دارد تا دانش‌آموزان در حوزه یادگیری، خلاقیت، نوآوری و مهارت داشته باشند. حجت‌الاسلام محمدیان با اشاره به اینکه چهار عنوان درسی جدید در شاخه نظری و عمومی برای سال تحصیلی جدید خواهیم داشت، گفت: «انسان و محیط زیست»، «تفکر و سواد رسانه‌ای»، «کارآفرینی و کارگاه تولید» و «انسان و سلامت» از محتواهای جدیدی هستند که وارد نظام تعلیم و تربیت شده‌اند. وی یادآور شد: این محتواها در سال‌های اول ابتدایی تا پایه نهم به صورت تلفیقی در کتاب‌ها آمده؛ اما در دوره نظری به صورت اختصاصی ارائه می‌شود که به رشد بالینی، اجتماعی، سیاسی، نیاز بلوغ و جوانی پاسخ می‌دهد. حجت‌الاسلام محمدیان به محتوای کتاب «انسان و سلامت» اشاره کرد و گفت: این کتاب نیاز ۱۵ تا ۱۸سالگی دانش‌آموزان را پاسخ می‌دهد و تبعات آن را در دوران ازدواج خواهیم دید. به گفته رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، فرایند توزیع کتاب از پانزدهم شهریورماه آغاز می‌شود و ۱۳۰ تا ۱۳۵ میلیون تیراژ کتاب تولید خواهد شد.

ادامه از صفحه ۵

۷ اشکال اساسی لایحه برنامه ششم

همچنین این ابهام وجود دارد که ارتباط بین پروژه‌های مصوب ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی و اهداف و اولویت‌های لایحه برنامه ششم توسعه چگونه برقرار خواهد شد؟

پیشنهادی برای مواجهه با برنامه ششم توسعه

با توجه به کاستی‌های ذکرشده در ارتباط با لایحه برنامه ششم توسعه، می‌توان گفت لایحه مذکور ویژگی‌های یک برنامه توسعه را ندارد و در شرایط خطیر کنونی آن طور که شایسته است به مسائل اساسی پیش‌روی کشور نپرداخته است؛ بنابراین انتظار می‌رود کلیات لایحه برنامه ششم توسعه، به‌علت کاستی‌های جدی که در بخش‌های پیشین تبیین شد، از سوی مجلس پذیرفته نشود.

در صورت ردنشدن کلیات لایحه برنامه ششم توسعه از سوی مجلس و با توجه به کاستی‌های فراوان لایحه یادشده، مجلس مجبور خواهد شد در محتوای برنامه دخالت کند، به‌عبارت دیگر تصویب کلیات لایحه برنامه، محملی برای انبوهی از خواسته‌های ناسازگار استانی، منطقه‌ای و دستگاهی خواهد شد که نه‌تنها موجب بروز پراکندگی و ناهماهنگی‌های متناقض با فلسفه برنامه‌ریزی می‌شوند، اغلب با بار مالی نیز همراه هستند که این مسئله می‌تواند همراهی‌نکردن دولت را در پی داشته باشد.

از سوی دیگر تجربه اظهار نظر شورای نگهبان در ارتباط با لایحه تنظیم برخی از احکام برنامه‌های توسعه کشور، از وجود محدودیت برای دخالت مجلس حکایت دارد؛ بنابراین نمی‌توان انتظار داشت، تلاش‌های همراه با حسن نیت نمایندگان مجلس، بتواند کاستی‌های جدی لایحه برنامه ششم توسعه را مرتفع کند.

شرکتی که وجود نداشت، به یک سمینار بزرگ دریافت جایزه کیفیت و نشان برتر تجاری دعوت شد

شما به مراسم تندیس‌فروشی دعوتید

شهرزاد همتی

ماجرا از یک ایمیل دریافتی شروع شد؛ یکی از شرکت‌های خصوصی برای حضور در مراسم اهدای تندیس نام‌ونشان ماندگار دعوت شده بود تا جایزه بگیرد. برای دریافت جایزه و میهمانانی هم که می‌توانست با خودش ببرد، با توجه به خدمات ارائه‌شده، مبالغ از دو میلیون تا هفت‌میلیون متغیر بود. درواقع سازوکار این بود: در صورتی که پول بدهید، شما را به‌عنوان یک برند معتبر به مردم معرفی می‌کنیم و تندیس نام‌ونشان ماندگار را هم دریافت می‌کنید؛ فارغ از کیفیت یا نوع فعالیت شرکت یا مؤسسه‌ای که دارید و خدمات یا کالایی که تولید می‌کنید.

سطوح شرکت در مراسم هم به سیلور (نقره‌ای)، گلد (طلایی)، پلاتینیوم و الماس تقسیم می‌شد. الماس گران‌ترین بسته ارائه‌شده از سوی شرکت برگزارکننده این مراسم است. یعنی اگر شما مبلغ هفت میلیون و۲۰۰هزار تومان پرداخت کنید، صاحب بسته (پکیج) الماس می‌شوید و ۱۸ خدمت شامل حالتان می‌شود؛ خدماتی چون: دریافت تندیس نخل طلای نام‌ونشان ماندگار به رسم یادبود، چاپ لوگو در تمامی کارت‌های دعوت، انجام مصاحبه اختصاصی با خبرنگاران، چاپ آلبوم اختصاصی (شکار لحظه‌ها)، چاپ نام شما به‌عنوان برند منتخب در شش روزنامه اقتصادی کشور، چاپ اختصاصی یکصد جلد کتاب با امکان تبلیغات در پشت و روی جلد و... .

در کارت دعوتی که برای «شرق» ارسال شده بود، شماره تلفن‌ها با پیش‌شماره مشهد بود. به‌عنوان منشی یک شرکت دارویی ساختگی با یکی از بازاریابان این مراسم که نامش به‌عنوان مسئول روابط‌عمومی روی دعوت‌نامه درج شده بود، تماس گرفتم. مدیریت این شرکت از سوی ما خانم دکتری معرفی می‌شود که اولین تولیدکننده داروی تسکین‌دهنده درد کامل دوران قاعدگی است. در این مکالمه تلفنی که دو روز پیش انجام شده، گله می‌کنیم که چرا با ما تماس نگرفته‌اند و اعلام می‌کنیم که می‌خواهیم از پکیج الماس استفاده کنیم. شماره تلفن ردوبدل می‌شود و لحظاتی بعد مجددا روابط‌عمومی شرکت تماس می‌گیرد و می‌خواهد برای خانم دکتر فهرست خدمات را ارسال کند و به ایمیل شخصی من دعوت‌نامه یکی دیگر از مدعوین برای آشنایی ارسال می‌شود. دومین تماس این مسئول روابط‌عمومی با ما، ساعت ۹ شب صورت می‌پذیرد. او ادعا می‌کند: «در این مراسم مسئولان سه قوه و یکی از رؤسای‌جمهوری پیشین حضور خواهند داشت و در صورتی که لوح تقدیر دریافتی در مراسم ما را ترجمه کنید، می‌توانید در کشورهای خارجی هم از اعتبار آن استفاده کنید». به گفته این خانم، این شرکت برگزارکننده بزرگ‌ترین سمینارهای تخصصی در کشور است و ۱۲ شرکت در مشهد و ۱۲ شرکت هم در تهران دارد و مدیریت آن با آقای «ث» است. البته مدام هم به ما تأکید می‌شود که خیالمان از حضور سران دولتی در مراسم راحت باشد.

پس از آن مکالمه تا آخرین لحظات نگارش این گزارش چندین‌بار دیگر از طرف برگزارکنندگان این مراسم با ما تماس گرفته می‌شود و با تأکید و اصرار می‌گویند بهتر است هرچه سریع‌تر فرم‌های شرکت در مراسم را پر کنید چون فقط دو صندلی خالی باقی مانده است که ما آنها را فقط برای شما نگه داشته‌ایم. شرط اولیه اعلام شرکت در مراسم هم پرداخت ۳۰درصد هزینه اولیه دریافت جایزه‌ای است که قرار است به‌عنوان نام‌ونشان ماندگار به شرکت ما بدهند. این ۳۰ درصد برابر است با مبلغ دومیلیون و ۵۰۰ هزار تومان که باید آن را به حساب شرکت برگزارکننده واریز کنیم.

یکی دیگر از همکاران ما در «شرق»، به‌عنوان مدیر مالی با بازاریاب شرکت برگزارکننده مراسم صحبت می‌کند تا مثلا تصمیم نهایی برای شرکت در مراسم گرفته شود. روابط‌عمومی این شرکت در پاسخ به سؤالی درباره چگونگی احراز صلاحیت‌ها برای دریافت جایزه، می‌گوید: «شما باید اول آن ۳۰ درصد را واریز کنید، بعد ما نتیجه احراز صلاحیت را به شما با مهر و امضای رسمی برگزارکننده مراسم تا فردا اعلام می‌کنیم». مسئول روابط‌عمومی در پاسخ به این سؤال که اگر صلاحیت ما احراز نشد تکلیف چیست، می‌گوید: «اصلا نگران نباشید، به احتمال ۹۹ درصد صلاحیت شما احراز می‌شود».

حالا ماجرای جالب این است که اصلا چنین شرکتی وجود ندارد و این بزرگ‌ترین برگزارکننده سمینارها حتی نه برای بررسی کیفیت محصولات این شرکت تخیلی، بلکه برای بررسی موجودبودن یا نبودن آن هم هیچ سازوکار استعلامی‌ای ندارد! مسئله‌ای که می‌تواند به‌راحتی شرایط سوءاستفاده کلاهبرداران را فراهم کند. با این شیوه به بهانه برندسازی، نام‌هایی تجاری به خورد مردمی داده می‌شود که با نام‌های هیجان‌انگیزی که اتفاقا همیشه هم پسوند ماندگار دارند اعتمادشان برانگیخته می‌شود. شاید این بازی زمانی جذاب‌تر می‌شد که ما ۳۰ درصد مبلغ درخواستی را واریز می‌کردیم و در همایش حضور می‌داشتیم، اما چنین امکانی وجود نداشت... .

سابقه خبرها در این‌باره نشان می‌دهد دوره پیشین این مراسم هم مثل دوره پیش‌روی آنکه حدود سه ماه دیگر قرار است در تهران برگزار شود، خردادماه ۹۴ در سالن همایش‌های بین‌المللی صداوسیما برگزار شد. عجیب‌تر آنکه نایب‌رئیس وقت مجلس شورای اسلامی و یکی از معاونان رئیس‌جمهور هم در این مراسم حضور داشته و سخنرانی کرده‌اند. عنوان فرعی آن مراسم هم بزرگداشت روز خلیج‌فارس و تقدیر از شهدای غواص بود؛ عنوانی ملی، دینی برای پوششی بر این مراسم مسئله‌دار. مراسم امسال هم از این لحاظ کم ندارد. طبق گفته مسئولان برگزارکننده، رویکرد جنبی مراسم جدید تکریم شهدای مدافع حرم است.

فرشید شکرخدایی، مدیر رتبه‌بندی اتاق ایران، نایب‌رئیس انجمن مدیریت کیفیت ایران و دبیر جشنواره ملی بهره‌وری و مسئول کمیته ارزیابی جایزه ملی کیفیت در گفت‌وگو با «شرق»، با تأیید وجود این شرکت‌ها در کشورهای مختلف به «شرق» می‌گوید: «بسیاری از این شرکت‌ها در سطح بین‌المللی هم فعالیت می‌کنند، در واقع این موضوع فقط مختص ایران نیست. مثل تندیس برتر کیفیت اروپا، که اتفاقا تابلوهای برنده‌هایش را در سطح شهرهای خودمان هم می‌بینیم. مراسم بزرگی در کشورهای مختلف برای این تندیس فروشی‌ها برگزار می‌کنند. برای اینکه تندیس ببرید مبلغی بین سه تا هشت هزار دلار پرداخت کنید».

وی افزود: «متأسفانه این ماجرا در کشور ما هم فرهنگ رایجی شده و در ابتدا جای خودش را در مدارک تحصیلی و نشان شوالیه و... باز کرد و سپس عناوین جذاب دیگری هم برای برگزاری این مراسم استفاده شده است. البته مخاطبان بیشتر این تندیس‌ها مدیران دولتی یا شبه‌دولتی هستند یا توسط مدیران دولتی که وارد بخش خصوصی شده‌اند استقبال صورت می‌گیرد تا ناتوانایی مدیریتی خود را با این عناوین بپوشانند».

شکرخدایی درباره سازوکار این شرکت‌ها می‌افزاید: «بازاریابی که شما با آن به‌عنوان طرف معامله صحبت می‌کنید حدود ۳۰، ۴۰ درصد از مبلغ ثبت‌نام را از هر شرکت دریافت می‌کند و ذی‌نفع مستقیم در این بازی است. اصل این کار و برگزاری این سمینارها هم در تخصص همین شرکت سرشناس شهرستانی است. آنها حدود ۱۵، ۱۶ شرکت برای همین کار ثبت کرده‌اند. من به‌عنوان کسی که این موضوع را دنبال کردم به شما می‌گویم بیشتر از ۷۰ درصد مراسمی که برای تندیس‌فروشی برگزار می‌شود توسط همین تیم برنامه‌ریزی شده. اینها در ابتدا سالن‌های بزرگ را رزرو می‌کنند، اگر برنامه‌شان خوب پیش برود و موفق به برگزاری همایش بزرگی بشوند در سالن‌های بزرگ آن را برگزار می‌کنند و در غیراین‌صورت برنامه‌شان را به هتل‌های مشهد می‌برند. آنها برای برگزاری این مراسم بسیاری از دست‌اندرکاران ملی و محلی را در این کسب‌وکار وارد می‌کنند؛ مثلا از استاندار برای همکاری، نامه می‌گیرند و در سطح ملی کار می‌کنند. متأسفانه تا به حال درباره آنها شفاف‌سازی انجام نشده». شکرخدایی افزود: «چندین بار هم به برگزاری این مراسم اعتراض شده، می‌دانم که سازمان ملی استاندارد هم به آنها درباره برگزاری مراسم با عنوان کیفیت تذکر داده است. در یک کلام اگر می‌خواهید سازوکار آنها را یاد بگیرید، در ابتدای امر شما یکی از مقامات دولتی را برای اینکه رئیس شورای سیاست‌گذاری جشن شما بشوند دعوت می‌کنید، مثلا شما با فلان وزارتخانه مکاتبه می‌کنید و آن وزارتخانه نماینده می‌فرستد و تا آخر هم شما به همه می‌گویید مراسم با همکاری این وزارتخانه برگزار شده، به نماینده وزارتخانه هم حق جلسه پرداخت می‌کنید».

مدیر رتبه‌بندی اتاق ایران درباره این همایش‌ها می‌گوید: «مهم‌ترین اتفاقی که افتاده این است که آنها بدون ارزیابی و رتبه‌بندی به مردم تندیس می‌فروشند. جدا از شرکت‌های خصوصی، من خبر دارم از همایش‌ها و جوایزی که دولتی‌ها برگزار می‌کنند و نظام ارزیابی در آن وجود ندارد؛ مثلا جشنواره قیمت تمام‌شده در زمان وزارت دکتر عضنفری برگزار شد و هرکس ثبت‌نام کرد یک لوح گرفت؛ البته متأسفانه در نظام دولتی ما هم رایج شده که بدون ارزیابی عنوان هدیه کنند. چند وقت پیش نشان عالی اقتصاد مقاومتی با همت یکی از دانشگاه‌های نظامی برگزار شد ولی هیچ نظام ارزیابی مناسبی در شأن این عنوان وجود نداشت».

وی درباره راه‌حل وجود چنین ماجرایی افزود: «این یک مشکل قدیمی کشور است؛ فکر نمی‌کنم با بگیر و ببند و بازرسی مشکلی حل شود. تندیس‌فروش‌ها در هر سطحی که باشند می‌خواهند برای خودشان مشتری یا بودجه جذب کنند. اطلاع‌رسانی به مشتریان این تندیس‌ها مهم است، وقتی در صداوسیما عناوین تقلبی مانند برند برتر منتخب مشتریان! بدون نظام ارزیابی تبلیغ می‌شود پس این عناوین را می‌شود فروخت! تنها راه‌حل به نظر آمده ایجاد نظام رتبه‌بندی است. ما به نمایندگی از بخش خصوصی کشور در نظر داریم جوایز و مسابقات و همایش‌های کشور را اعتبارسنجی کنیم و با انتشار رتبه‌بندی آنها در سطح فعالان بخش خصوصی حداقل اعضای اتاق را از اعتبار این‌گونه مراسم مطلع کنیم. راه‌حل اصلی جلوگیری از تندیس‌فروشی نیست، جلوگیری از تندیس‌خریدن، از طریق اطلاع‌رسانی تندیس‌های اصلی و تندیس‌های تقلبی است».

مسئله پیچیده نیست. برندسازی بهانه‌ای است که به خاطرش تندیس هم فروخته می‌شود. بارها و بارها نام شرکت‌هایی را شنیده‌ایم که تحت لیسانس فلان برند خارجی هستند. برندی که هیچ عقبه‌ای ندارد و صرف خارجی‌بودنش برای حفظ سطح و کلاس کفایت می‌کند. پیتراند جورج انگلستان یکی از این لیسانس‌ها بود که کمی بعد معلوم شد که صاحبان شرکت ایرانی که پز لیسانس آن را می‌دادند، در انگلستان چنین شرکتی به نام خودشان ثبت کرده‌اند و اتفاقا لیسانس را هم گرفته‌اند...

ظهور کانال یک‌طرفه سخنگوی شهرداری در جریان یک خودسوزی

شرق: شورای شهر تهران صبح دیروز بعد از یک هفته تعطیلات تابستانی تشکیل جلسه داده بود که با اخباری مبنی بر خودسوزی فردی در مقابل شورا فضا تغییر کرد و دو عضو شورا، یعنی حبیب کاشانی و رحمت‌الله حافظی، با حضور در محل حادثه که روبه‌روی شورا و در ادامه حیاط پشتی آن بود، توضیحاتی ارائه کردند؛ توضیحاتی که تا چند ساعت بعد از منابع مختلف تفاوت داشت. کاشانی نقل می‌کند که گویا این فرد برای حدود دو میلیون کمک هزینه برای جهیزیه درخواستی داشته است. او در ادامه به نقل از رحمت‌الله حافظی درصد سوختگی این فرد را که سوختگی با بنزین بوده، حدود ۲۰ درصد اعلام کرد. در ادامه اخبار تکمیلی حاکی از این بود که فردی که اقدام به خودسوزی کرده، درخواستی درباره گرفتن غرفه از شهرداری داشته و دارای درصدی از جانبازی هم بوده است.

روابط عمومی شورای شهر تهران بلافاصله خودسوزی این فرد در داخل ساختمان شماره ۲ شورا را بدون ارتباط با شورا اعلام کرد؛ حرفی که کاشانی هم در صحن شورا آن را تأیید کرد. روابط‌عمومی شهرداری تهران هم ضمن توضیحاتی درباره این حادثه به مهر، تأکید کرد که موضوع فقرزدایی و وقوع چنین اعتراض‌هایی ارتباطی مستقیم به شهرداری ندارد؛ اما درحالی‌که شهرداری تهران سال‌هاست سخنگو ندارد، روز گذشته کانالی تلگرامی با عنوان «کانال سخنگوی شهرداری تهران» یکباره ظاهر شد و سؤال‌ها و ابهامات موجود دراین‌باره را به صورت مجازی پاسخ داد. در توضیحات یک‌طرفه این کانال درباره این اتفاق گفته شده که: «شهروندی که خودسوزی کرده، از جانبازان محترم دفاع مقدس در سال ۱۳۹۱ متقاضی غرفه فروش مواد غذایی در میدان میوه‌وتره‌بار منطقه ازگل بودند. واگذاری این غرفه‌ها مطابق دستورالعمل مصوب سازمان میادین میوه‌وتره‌بار طبق قانون از طریق مزایده صورت می‌گیرد؛ اما به دلیل استفاده ایشان از سهمیه جانبازی مطابق ماده ۳۴ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، غرفه شماره ۱۶ میدان میوه‌وتره‌بار ازگل برای یک سال در اختیار ایشان قرار گرفت؛ اما مطابق همان قانون این واگذاری منوط به استفاده از این خدمت تنها برای یک دوره است؛ اما با مراجعات مداوم نام‌برده به دفتر ملاقات‌های مردمی شهردار تهران، واگذاری این غرفه در سال‌های ۹۲، ۹۳ و ۹۴ تکرار شده است و در سال آخر ایشان تعهد دادند که این تمدید برای آخرین‌بار خواهد بود و در سال ۹۵ غرفه را تحویل خواهند داد؛ اما ایشان با وجود اخطاریه‌های مکرر به تعهد خود عمل نکرده و امروز صبح برای اخذ مجوز تمدید برای پنجمین سال خلاف ضوابط به ساختمان شورای شهر و دفتر ملاقات‌های مردمی مراجعه کردند که با توجه به طرح مشکلات شخصی نظیر ودیعه مسکن و تهیه جهیزیه دخترشان، اطمینان داده شد که تلاش می‌شود این مشکلات مالی از طرق دیگر رفع شود؛ اما ایشان همچنان بر تمدید واگذاری غرفه تأکید داشتند و دقایقی بعد در ساختمان شورای شهر اقدام به خودسوزی کردند که بلافاصله با حضور عوامل مربوطه آتش خاموش شد و ایشان به بیمارستان منتقل شد. مطابق بررسی‌های اولیه ایشان حدودا ۲۰ درصد سوختگی دارد».

کانال سخنگوی شهرداری تهران در ادامه توضیحات خود یادآور شده که در مجموع ۲۰۰ غرفه در شهر تهران برای اجرای ماده ۳۴ قانون جامع ایثارگران اختصاص داده شده است که حدود هفت نفر از ایثارگران عزیز واجد شرایط در نوبت هستند و هنوز بعد از چند سال غرفه به آنها واگذار نشده است.

یکسان‌شدن نرخ عوارض اتباع بیگانه در همه شهرها

شورای اسلامی شهر تهران روز گذشته همچنین مصوبه اخذ عوارض از مهاجران خارجی مقیم شهر تهران را هم اصلاح کرد. علیرضا دبیر، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر تهران، در توضیح این اقدام شورا گفت: پیش‌ازاین با توجه به تفاوت نرخ عوارض در شهرهای مختلف، اتباع بیگانه مقیم شهر تهران برای پرداخت عوارض به شهری که نرخ پایین‌تری داشت، می‌رفتند و بر همین مبنا یکی از درآمدهای پایدار شهر به جای دریافت در شهر تهران در شهری دیگر دریافت و در همان شهر هزینه می‌شد. براساس‌این استاندار تهران پیشنهادی را به رئیس شورای شهر تهران ارائه کرد تا این نرخ‌ها یکپارچه شود و کمیسیون برنامه و بودجه در بررسی‌های خود به این نتیجه رسید که نرخ یکپارچه از وضعیت کنونی بهتر است؛ بنابراین نرخ عوارض را بر همین مبنا تعیین کرد.

وی تصریح کرد: در این پیشنهاد نرخ عوارض برای خانوارهای یک و دونفره به مبلغ ۱۵۰ هزار تومان، برای خانوارهای سه و چهارنفره به مبلغ ۲۰۰ هزار تومان و برای خانوارهای پنج‌نفره و بیشتر ۲۵۰ هزار تومان برای یک سال تعیین شده است که همان پیشنهاد دولت بوده و می‌تواند از خروج سالانه چندین میلیارد تومان از درآمد شهر تهران جلوگیری کند.

مهدی چمران، رئیس شورای اسلامی شهر تهران هم دراین‌باره گفت: برای حل مشکل در شورای‌عالی استان‌ها با هماهنگی وزارت کشور و سازمان اتباع بیگانه نرخی هماهنگ ارائه و تصویب شد تا ملاک عمل قرار گیرد.

یادداشت

محیط‌بان، قربانی رویکرد مدیریتی

حمیدرضا میرزاده

● وقتی محیط‌بانی غرق در خون به خاک می‌افتد یا در دادگاه، به اتهام قتل عمد محکوم به قصاص می‌شود، داد سخن از هرجا بلند می‌شود که «محیط‌بان مظلوم است» و «باید حمایت شود»؛ که محیط‌بان هم مظلوم است و هم باید حمایت شود. رسانه‌ها تا مدتی از لایحه و طرح و برنامه می‌گویند تا آنکه سیل اخبار متفرقه، باقی‌مانده توجه‌ها به دوهزارو ۷۰۰ سرباز سبزپوش طبیعت را می‌شوید و باز با واقعه و پرونده‌ای جدید، افکار عمومی به فکر مظلومیت و حمایت محیط‌بان می‌افتد. این میان، کسی هم یادی از هزارو اندی سبزپوش جنگلبانی نمی‌کند تا آنکه گلوله‌ای، آرم جنگلبانی روی پیراهن جنگلبان را سوراخ کند تا بانگ برآید که ای بخت نامراد، جنگلبان هم مظلوم است و حامی می‌خواهد!

نه بیانیه‌های تند و آتشین در رثای محیط‌بانان و جنگلبانان و نه خطونشان‌ها برای متخلفان، هیچ‌کدام دستاوردی برای سربازان طبیعت نداشته است. در روی همان پاشنه می‌چرخد که چرخشش هم سریع‌تر و ناگهانی‌تر شده. هنوز افراد زیادی هر روز و هر شب پا به طبیعت می‌گذارند، به دنبال شکار غیرمجاز و چوب قاچاق می‌روند و اگر بخت یارشان باشد، بی‌سروصدا از عرصه خارج می‌شوند؛ بعضی از آنها هم گرفتار می‌شوند و عده‌ای بعد از درگیری با محیط‌بان و جنگلبان از صحنه می‌گریزند.

تجربه نشان داده چه آنها که دستگیر و محکوم شده‌اند و چه آنها که گریخته‌اند، هر دو انگیزه کافی برای تکرار تخلف را داشته و دارند. «افتخار»، «پول» و البته «تلافی»، سه انگیزه مهم شکارچیان متخلف شناخته شده است. مطالعه‌ای که در پارک ملی گلستان و پارک ملی بمو انجام شده نشان می‌دهد بخشی از شکارچیان غیرمجاز به پولی که از فروش گوشت و پوست و شاخ شکار به دست می‌آورند، احتیاج دارند و بخشی دیگر، از حس افتخار و قدرتی که از شکار به دست می‌آورند، لذت می‌برند؛ اما بیشتر شکارچیان متخلف در یک انگیزه برای تکرار تخلف اتفاق نظر دارند: «تلافی». بسیاری از آنها زمانی که در بازداشت به سر می‌برند، نقشه شکار بعدی را می‌کشند و بعضی دیگر، به دلیل دستگیری و جریمه و حبس دوستانشان، دست به تلافی می‌زنند. حیات وحش از بین می‌رود، محیط‌بان درگیر می‌شود، شکارچی به زندان می‌افتد و باز دور باطل درگیری ادامه می‌یابد. تنها تفاوت، جمعیت حیات وحش است که هر بار از آن کاسته می‌شود و البته رمق محیط‌بان. محیط‌بان مظلوم است و به‌دلیل حقوق پایین و کار دشوار، به حمایت نیاز دارد؛ اما نه فقط با افزایش حقوق و تصویب قوانین هیجان‌زده. محیط‌بان آنجایی مظلوم است که پیاده‌نظام برنامه‌ای کم‌بازده و نفس‌گیر شده است؛ برنامه‌ای که عنوان شیک «حفاظت» را یدک می‌کشد. مظلومیتش آنجاست که محیط‌بان نمونه، محیط‌بان مرده است! از او خواسته شده فقط به اتکای قوه قهریه جلوی تخلف را بگیرد؛ کسی هم به قبل و بعدش فکر نکرده. کسی برنامه‌ای برای پیشگیری از تخلف نریخته، کسی در ذهن جوامع بومی، پارک ملی و منطقه حفاظت‌شده را عملا به‌عنوان ثروت ملی و منطقه‌ای جا نینداخته و کسی برای تبعات تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده و احساسی برای محیط‌بانان فکر نکرده. محیط‌بان مظلوم است، زیرا در پیچ‌وخم تصمیم‌گیری‌ها کسی چندان به او و مشکلاتش نیندیشیده و دعوایش با شکارچی را موشکافی و علاج‌یابی نمی‌کند، فقط همه می‌گویند او مظلوم است و بس! آنچه امروز در زیستگاه‌ها و حاشیه‌هایشان می‌گذرد، دعوا بر سر منبعی طبیعی است، منبعی که دولت مدیرش است و ملت مالک؛ اما رفتار مدیر بیشتر به مالکان می‌خورد تا مدیران. قوم و عشیره‌ای که صدها سال در کنار عرصه طبیعی زندگی کرده، دامش را در آن چرانده و آب چشمه‌اش را خورده، اکنون ۵۰ سال است که محروم شده! دولت به او گفته قرار است اینجا برای همه حفظ شود تا منافعش به همه برسد؛ اما عشیره نه به منفعتی از حفاظت رسیده و نه‌چندان حفاظت را مؤثر دیده. محیط‌بان مظلوم است و به حمایت نیاز دارد، آری! آن زمان از محیط‌بان حمایت می‌شود که جامعه، زیستگاه و حیات وحش را دارایی و سرمایه خود بداند و این تنها با سهیم‌بودن جامعه از طبیعت و مناطق تحت حفاظت به دست می‌آید. جامعه‌ای که خود را مالک طبیعتش نداند، روزبه‌روز تراژدی‌های تلخ را رقم می‌زند؛ محیط‌بان قربانی اصلی این تراژدی است.